



میدان قاپاق تهران (میدان اعدام - محمدیه کنونی)

به مناسبت کشف «بانوی هفت هزار ساله» و آثار دوره تیموری

## تهران قدیمی تر از آنچه می پنداریم

ایران کشوری باستانی با تاریخی کهن و مملو از آثار باستانی و تاریخی است. تفکر غالب این بود که برای بازدید از آثار باستانی و تاریخی، علاقه مندان بایستی شهرها را ترک کرده و به گوشه‌های دورافتاده ایران سفر کنند، اما چندی است که در رویدادی میمون و مبارک شهرهای ایران نیز گذشته باستانی و تاریخی خود را به روی ما گشوده و به معرض نمایش گذاشته‌اند. البته بر آگاهان پوشیده نبود که حتی بسیاری از شهرهای ایران نیز سابقه‌ای بیس دیرینه دارند که نمادهای شاخص آنها کامکان بریا هستند و توجه پژوهشگران را به خود جلب می‌کنند، اما متأسفانه مدرنگرایی لجام گسیخته عصر ما بخش عمده‌ای از آثار باستانی شهرهای ایران را بیا پوشانده یا تخریب کرده است. سواى شهرهای بیس باستانی، چون شوش، که سابقه زندگی مردم در آن به بیش از شش هزار سال می‌رسد، شهرهایی چون اصفهان، شیراز، تبریز، کرمان و... در پی عملیات غیرکارشناسی و سودجویانه به اصطلاح بازیاری «بافت فرسوده شهری» بخش قابل توجهی از میراث باستانی و تاریخی و از این رهگذر هویت تاریخی، خود را برای همیشه از دست دادند.

تهران، پایتخت امروزی کشورمان، که در میان شهرهای کهن ایران کودکی نوباه محسوب می‌شد و مرکزیت آن را از ابتدای دوره قاجار و بنیان آن را به دوره صفوی نسبت می‌دادند، اخیراً با دو کشف باستان شناختی همگان را شگفت زده کرد؛ اول کشف جسدی متعلق به دوره مس سنگی در حوالی خیابان مولوی در سال ۱۳۹۴ که اکنون با عنوان «بانوی هفت هزار ساله» در موزه ملی ایران آرمیده است و دوم کشف اخیر آثار و بقایایی در بازار حضرتی در همان حوالی خیابان مولوی که عجلتاً به دوره تیموری نسبت داده شده است. این دو کشف برای باستان شناسان سرخ‌هایی هستند گرانبها که می‌گویند در حوالی خیابان مولوی خیرهایی هست و نیاز به کنکاش باستان شناسان دارد. دو، دیگر اینکه به مدارک تاریخی ذهنیت گزاینده اعتماد جندانی نیست، بلکه مدارک باستان شناسی را باید جست و یافت که تصویری عینیته گرایانه در معرض دید ما می‌نهد.

اینگ به عینیت و براساس مدارک متقن باستان شناختی می‌دانیم که تهران قدیمی تر از آن است که منابع تاریخی به ما می‌گفتند. چقدر قدیمی تر و با چه ماهیتی؟

کوچه وستاهل و منزل رئیس تشکیلات نظمی سوئدی در طهران

## نامی غریب بر پیشانی یک محله اصیل

یکی از گذرهای کمتر شناخته شده شهر تهران، کوچه وستاهل در خیابان امیریه (بخشی از خیابان ولیعصر کنونی) کمی پایین‌تر از میدان منیریه است. اگرچه امروزه هیچ نشان کهنه و قدیمی در این کوچه نسبتاً باریک نمی‌توان یافت، اما نام این گذر کامکان از دست نطاول روزگار در امان مانده و بخشی از تاریخ ایران را در نام خود زنده نگاه داشته است؛ هر چند که این اسم ممکن است با زبان شیوای فارسی همخوان و هم آهنگ نباشد و تلفظ این نام برای اهالی محل یا عابران کمی دشوار باشد. با احتمالاً از وجه تشبیه‌ای بی‌خبر باشند، اما اینکه چرا این کوچه به وستاهل معروف شد، بی‌تردید با نام رئیس تشکیلات نظمی یعنی موسوی وستاهل ارتباط دارد. با این توضیح که در اواخر حکومت قاجار، دولت برای برخی اصلاحات و سامان دادن به امور نظمی چند افسر سوئدی را به استخدام اداره نظمی در آورد و وستاهل به‌عنوان رئیس تشکیلات نظمی جدید معرفی شد. بنابراین اسم کوچه مورد بحث بی‌شک از نام رئیس سوئدی تشکیلات نظمی گرفته شده است.

اما اینکه چرا نام این کوچه و در این قسمت از شهر به اسم وستاهل معروف شد به احتمال زیاد با منزل وستاهل و محل اقامت او در تهران ارتباط دارد زیرا ساختمان نظمی در زمان حضور سوئدی‌ها، در میدان توپخانه قرار داشت و خیلی بعید به نظر می‌رسد که نام این کوچه با ساختمان اداری که زیر دست وستاهل اداره می‌شد ارتباط داشته باشد. نگارنده تنها گواه این ادعا را که همزمان با شخص وستاهل می‌زیسته در خاطرات عبدالله بهرامی (که سال‌ها پیش منتشر شده) یافته است که خود مدت‌ها از مترجمان و کارمندان تشکیلات نظمی در زمان وستاهل و سوئدی‌ها بود.



کامیار عیدی  
باستان شناس

پرسش اساسی است که برنامه‌های جامع و فراگیر را در زمینه باستان شناسی شهری در تهران می‌طلبد. باستان شناسی شهری (Urban Archaeology) از شاخه‌های نسبتاً جدید باستان شناسی است که کارشناسان آن در مغرب زمین سال‌هاست با گمانه زنی و کاوش در بافت‌های شهری به اطلاعات پرازشی در زمینه قدمت شهرهای اروپایی و آمریکایی پی برده‌اند؛ از کشف و کاوش مهرابه‌ای متبرائی از زمان رومیان (مربوط به سده سوم میلادی) در قلب لندن به سال ۱۹۵۲ تا سده‌های شانزدهم میلادی) به سال ۱۹۸۹ در محله ایست‌اند لندن که بسیاری از نمایش‌های ویلیام شکسپیر، اول بار در آن به صحنه رفته‌اند. از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ نیز از رهگذر کاوش‌های باستان شناختی مشخص شد که شهر یورک در مرکز انگلستان روی اطراف گاه وایکینگها (مربوط به سده دهم میلادی) احداث شده است. اینکه بخش قدیمی شهر پاریس (همان محله مولوی آنان) روی یکی از بزرگترین گورستان‌های جهان مربوط به سده‌های شانزدهم تا نوزدهم میلادی بنا شده هیچ گاه بر کسی پوشیده نبود، اما پس از پژوهش‌های باستان شناختی در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ بود که به سال ۲۰۱۳ این محوطه باستانی به روی عموم گشوده شد و اینک یکی از چهارده موزه بزرگ پاریس است و پس از لوور بیشترین بازدیدکننده را به خود جلب می‌کند.



کشف بقایای دوره غزنوی در محله مولوی تهران

از معبد بزرگ آرتکها، آخرین حکومت فرمانطقه‌ای آمریکای مرکزی پیش از ورود اسپانیایی‌ها را که قدمت آن به سده شانزدهم میلادی بازمی‌گردد و آزاد کنند. این معبد عظیم به سال ۱۹۸۷ ثبت فهرست آثار جهانی یونسکو شد و هر ساله میلیون‌ها نفر از آن بازدید می‌کنند. خلاصه کلام اینکه ما ایرانیان به میراث باستانی خود، چه درون شهرها و چه برون آنها کم توجه هستیم. بخصوص در شهرها، به دلیل سودجویی لجام گسیخته زمانه ما، بی‌محابا آثار باستانی را نابود و بر بقایای آنها آپارتمان و پاساژی سازی ضرورت برنامه‌ریزی جامع در زمینه باستان شناسی شهری در ایران تنها راه اصولی کشف، احیا و نگاهداری آثار تاریخی ایران است. بر سازمان میراث فرهنگی، در مقام پاسدار و متولی آثار باستانی کشور واجب است که در وظیفه خود جدیت و توجه بیشتری به خرج دهد. بر پژوهشکده باستان شناسی نیز لازم است که با تشکیل سریع کارگروهی در زمینه باستان شناسی شهری، پیش از آن که کشفیات اتفاقی آثاری را هویدا سازد، بر شناسایی و پاسداشت آثار باستانی مدفون زیر شهرهای ایران همت گمارد. شهرهایی چون کرمان و شیراز و اصفهان که به دلیل اهمال ما بیشتر آثار باستانی خود را از دست دادند، حداقل تلاش کنیم تا آثار باستانی باقی مانده شهری، بخصوص پایتخت نوباه‌مان را برای آیندگان حفظ کنیم.

## قتل امیر کبیر

میرزا تقی خان فراهانی امیر نظام مشهور به امیر کبیر (متولد ۱۲۳۳ هجری قمری - ۱۸۸۵ هجری شمسی در روزهای هزاده اراک - مرگ ۱۲۶۸ هجری قمری - ۱۳۲۰ هجری شمسی در کاشان) که در روز پنجشنبه ۱۹ محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری با توطئه درباریان از جمله مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه، از صدارت عزل و روز بیست و پنج محرم همان سال به کاشان تبعید شده بود، در روز شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۲۶۸ هجری قمری - ۲۰ دی سال ۱۲۳۰ پس از سال‌ها خدمت به ملک و ملت، به دستور شاه و به دست حاج علی خان، فرارش باشی دربار در حمام فین کاشان با بریدن رگ دستاش به قتل رسید.

روزنامه «وقایع اتفاقیه» یک هفته پس از قتل امیر کبیر در تاریخ ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۸ خبر از بیماری وی و دادرسانجام روز پنجشنبه هفتم ربیع‌الثانی ۱۲۶۸ در روزنامه‌های که خود آن را بنیان گذارده بود، مرگ او به اطلاع خوانندگان رسید: «میرزا تقی خان که سابقاً امیر نظام و شخص اول این دولت بود، شب شنبه هیجدهم ماه ربیع الاول در کاشان وفات یافته است.»

۲۰ دی  
۱۳۳۰

در مسیخ  
تاریخ

یادداشت



هوم سدیقی  
پژوهشگر  
تاریخ معاصر

با شروع قرن نوزدهم، همجواری ایران با حوزه تحت نفوذ کمپانی هند شرقی دولت بریتانیا را متوجه اهمیت سیاسی و استراتژیکی این کشور به لحاظ حفظ منافع خود کرد. تعرض افغانها به هندوستان و خطر یورش ناپلئون مهم‌ترین تهدیدها برای دولت بریتانیا بشمار می‌آمد. بنابراین اولین معاهدات سیاسی و تجاری خود را با ایران منعقد کردند.

از سوی دیگر روس‌ها با عبور از آسیای مرکزی و قفقاز، سواره نظام قبیله‌ای را که به تحقیر اراذل خطابشان می‌کردند برحالی شکست داده و معاهده‌های ننگین ترکمانچای و گلستان را به تحمیل‌شاهنشاهی تحمیل کردند. کسب امتیازات دیپلماتیک، امتیازهای تجاری را به دنبال آورد و امتیازات تجاری راههای نفوذ اقتصادی را برایشان هموار ساخت و در نتیجه آشفتنگی‌های اجتماعی شدیدی پدید آمد. در برابر این مشکلات پادشاهان قاجار در نیمه اول سده تلاش کردند با انجام اصلاحات فراگیر، برنامه دفاعی گسترده‌ای را اجرا کنند، نبود توفیق در این برنامه سبب شد که در نیمه دوم سده فقط به اصلاحات تدریجی و جزئی بپردازند.

نخستین برنامه نوسازی و بازسازی را عباس میرزا آغاز کرد و به تقلید از سلطان سلیم سوم به ایجاد نظام جدید در آذربایجان مبادرت کرد. دومین اقدام در راستای نوسازی را امیرزا محمد تقی خان فراهانی مشهور به امیر کبیر آغاز نمود. امیر چون مدتی به‌عنوان لشکر نویس نظام و بعد با عنوان مستوفی نظام در لشکر آذربایجان خدمت کرده بود و همچنین نزدیک به دو سال را در مقام فرستاده

ویژه سیاسی برای حل اختلاف مرزی ایران با عثمانی در ارزنه الروم بصر برده بود. (کنفرانس ارزنه الروم نخستین مجمع بین‌المللی بود که اختلاف‌های دیرینه ایران و عثمانی، با شرکت مأموران میانجی انگلیسی و روس مورد گفت‌وگو قرار گرفت) امیر می‌دانست که برای تجهیز و افزایش توان دفاعی ارتش به سلاح روز، کارشناس و متخصص نیاز است. از این رو اقدام به احداث مدرسه دارالفنون کرد و برای علوم و فنون مختلف، خصوصاً علوم نظامی از کشور آتریش و پروس استاد استخدام کرد. رشته‌های اصلی تعلیمات دارالفنون عبارت بودند از: پیاده نظام و فرماندهی، توپخانه، سواره نظام، مهندسی، ریاضیات، نقشه کشی، معدن شناسی، فیزیک ویکیمیای فرنگی و داروسازی، طب و تشریح و جراحی، تاریخ و جغرافیا و زبان‌های خارجی. همچنین به تأسیس بیش از ۱۵ کارخانه تخییر-کارخانجات توپ‌ریزی، اسلحه‌سازی و پارچه بافی... مبادرت کرد. امیر برای تأمین هزینه این طرح‌ها و اقدامات، مخارج دربار را کاهش داد و با افزایش عوارض گمرکی واردات و نظارت دقیق بر کارموران مالیاتی و وضع مالیات‌های جدید در آمدهای مالیات را افزایش داد. امیر کبیر با وضع نظام بنیچه سعی داشت برای تنظیم امور لشکری که تا پیش از این به طرز چریک تهیه می‌شد و در موقع لزوم به ایلاتی که در اطراف مملکت پراکنده و دارای اسلحه و تجهیزات بودند اخطار می‌شد که در فلان نقطه تمرکز یافته و با نظریات اولیای امور و اوامر خوانین خود که به منزله فرماندهان بودند شروع به عملیات کنند. بنیچه به معنی اسانامه و در اصطلاح مالیات سابق عبارت از صورت تقسیم مالیات هر ده بر آب و خاک آن ده است که سهم هر جریب زمین با ساعت آب یعنی واحد مالیاتی را معین و بدهی هر ملک را از کل مبلغ مالیات مشخص کند. برای اینکه

قشونگیری هم مثل مالیات بر پایه اساسی مستقر شود بنیچه مالیاتی را مآخذ دادن سرباز هم مقرر داشتند. خرج سفر سرباز تا محل اردوگاه و فرستادن کمک خرج برای سرباز و خانواده او در مدت بودن او در سر خدمت برعهده صاحب بنیچه (ملک) بود و سربازی که از طریق بنیچه به خدمت اعزام می‌شد از هر خاوری در آن ده کمک جنسی و پولی به‌طور مساوی اخذ و به خانواده سرباز داده می‌شد. امیر برای حفظ امنیت شهر تهران دستور داد چند قراولخانه در کوچه‌ها و خیابانها بنا کنند. عنوان «نظمیه» نخستین بار در زمان او به‌کار برده شد. همچنین به جهت آگاهی از روابط درباریان و روحانیون و عمال سفارتخانه‌ها تشکیلات خبررسانی و خفیه‌نویسی وسیع و منظمی به نام منهای بوجود آورد به‌طوری که مردم او را عالم بر اسرار مملکت می‌دانستند و حتی عوام نسبت کرامت به وی می‌دادند.

۱- فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، خوارزمی سال ۱۳۵۴  
۲- فریاد ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب، نشرنی ۱۳۹۴

اعدام رهبران جمعیت فداییان اسلام

## ایستگاه پایانی نواب

سیدمجتبی میرلوحی (نواب صفوی- متولد ۱۳۰۳ خان‌آباد تهران) پس از ترور موفق احمد کسروی نویسنده و تاریخ‌نگار ایرانی در روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت سال ۱۳۲۴ به جرم ارتداد، این بار پس از قتل کسروی و منشی او محمدتقی احدپور در مورخه دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ به اتفاق سید حسین امامی و سید علی محمد امامی، موجودیت جمعیت فداییان اسلام را با پیوستن برخی از اعضای تشکیلات «جمعیت هواداران تشیع»، «جمعیت مبارزه با بی‌دینی» و همراهی سید جعفر امامی، جواد مظفری، علی فدایی و... با صدور اعلامیه موسوم به «دین و انتقام» اعلام کرد. در کارنامه عملیاتی این گروه، ترور عبدالحسین هژیر وزیر دربار در مورخه ۱۳ آبان ۱۳۲۸ هنگام برگزاری مجلس عزاداری و روضه‌خوانی دربار در مسجد سپهسالار تهران در دست حسین امامی، قتل سیدحاج‌حالی رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس ختم آیت‌الله فیض قمی در مسجد شاه تهران توسط خلیل طهماسبی، سوه‌قصه به جان حسین فاطمی نماینده مردم تهران در حین سخنرانی بر مزار محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز در ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ از سوی محمد مهدی عبدخایی وجود دارد. اما در تاریخ پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۳۳۴ با ترور ناکام حسین علاء، نخست‌وزیر، توسط مظفر علی ذوالقدر در مجلس ختم مصطفی کاشانی (فرزند

۲۷ دی  
۱۳۳۴



حسین عیددی  
مستوفی سفینه  
تاریخ

## نواب صفوی مدافع دین بود نه تروریست

عبدالحسین هژیر وزیر دربار تلاش کرد تا از ورود نمایندگان پیشنهادهی آیت‌الله کاشانی مانند محمد مصدق، مظفر بقایی، علی شایگان، حائری زاده، نریمان، حسین مکی و عبدالقدیر آزاد و... جلوگیری کند، فدائیان اسلام در درجه اول اظهار تهناتی بر یکدیگر و در در حال سبزی قرآن بزرگی را برپا کردند. در میان بهارستان حرکت کردند. انتخابات مجلس برگزار شد و افراد مورد نظر دربار را تقلب در آرا به مجلس شانزدهم راه یافتند. بنابراین فدائیان اسلام با حذف هژیر انتخابات تهران را باطل کرد و پس از برگزاری دوباره انتخابات نمایندگان حقیقی مردم به مجلس راه پیدا کردند. فدائیان اسلام با زین بردن نخست‌وزیر حاج‌علی رزم‌آرا، روند ملی شدن صنعت نفت را هموار کرد. به نظر من محبوب‌تر از آیت‌الله محمود طالقانی کسی را در بین اعضای انجمن آزادی و ملی گراها نداریم. به طوری که حضرت امام (ره) می‌فرمود: «او بود زمان است.» وی در چهارم اسفندماه سال ۱۳۵۷ بر سر قبر مصدق با صراحت گفت: «آنها (فدائیان اسلام) یک اقدام انقلابی کردند هژیر را زدن و کلای مردم به مجلس رفتند، رزم آرا را زدن نفت ملی شد... این ایجاد وحشت در بین مردم نبوده است که اسم آن را ترور بگذاریم بلکه دفاع از حقوق یک ملت بود... رزم آرا در مقابل نهضت ملی شدن صنعت نفت و مبارزات ضد استعماری مردم ایستاد بود. لذا من به‌عنوان کسی که مدافع شهید نواب صفوی و مدافع فدائیان اسلام هستم، با صراحت می‌گویم اقدام انقلابی فدائیان اسلام باعث شد در بیست و چهارم اسفند ۱۳۲۹ همان نمایندگان که به رزم آرا رأی اعتماد داده بودند به اتفاق آرا به ملی شدن نفت ایران رأی دهند. اگر خوب به تاریخ مراجعه

یادداشت



محمد عیددی  
عبدخدایی  
دبیر کل جمعیت  
فداییان اسلام

ایران و مردم مسلمان آن بود. مفهوم دفاع هم این بود که وقتی حکومت دولتمردان آن حرکت‌های برآمده از جهت دین زدایی و مذهب داشتند، اعضای برجسته این گروه به‌عنوان دفاع از دین و مذهب با اجازه مراجع، در مرحله به مرحله وارد میدان می‌شدند. حذف فیزیکی اولین گام نبود بلکه پیش از آن بیان موضوع در محافل مذهبی و سیاسی و هشدار برای اصلاح امور بود، اقدام نظامی آخرین حرکت بود؛ زمانی که ارشاد و هشدار با عمل با عاملین یک حرکت غیرمذهبی به بن‌بست می‌رسید. در ترور گاهی خود تروریست شناخته نمی‌شود در حالی که اعضای جمعیت فدائیان اسلام در محل برخی از عملیات‌ها تکبیر می‌گویند و شهدائین می‌خوانند و به قول خودشان، بی‌میدان شهادت می‌روند. احمد کسروی مروج بی‌دینی و فکر و الحاد بود، نواب در عراق پس از مطالعه آثار کسروی با اجازه علمای نجف به ایران آمد و کوشش کرد با گفت‌وگو، نظر او را تغییر دهد اما او و همکاران او فعالیت‌های ضد دینی خود را دنبال کردند و به همین دلیل نواب صفوی براساس قانون اسلام عمل کرد. در انتخابات دوره شانزدهم مجلس



قشونگیری هم مثل مالیات بر پایه اساسی مستقر شود بنیچه مالیاتی را مآخذ دادن سرباز هم مقرر داشتند. خرج سفر سرباز تا محل اردوگاه و فرستادن کمک خرج برای سرباز و خانواده او در مدت بودن او در سر خدمت برعهده صاحب بنیچه (ملک) بود و سربازی که از طریق بنیچه به خدمت اعزام می‌شد از هر خاوری در آن ده کمک جنسی و پولی به‌طور مساوی اخذ و به خانواده سرباز داده می‌شد. امیر برای حفظ امنیت شهر تهران دستور داد چند قراولخانه در کوچه‌ها و خیابانها بنا کنند. عنوان «نظمیه» نخستین بار در زمان او به‌کار برده شد. همچنین به جهت آگاهی از روابط درباریان و روحانیون و عمال سفارتخانه‌ها تشکیلات خبررسانی و خفیه‌نویسی وسیع و منظمی به نام منهای بوجود آورد به‌طوری که مردم او را عالم بر اسرار مملکت می‌دانستند و حتی عوام نسبت کرامت به وی می‌دادند.

۱- فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، خوارزمی سال ۱۳۵۴  
۲- فریاد ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب، نشرنی ۱۳۹۴



آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی) دستگیری ضارب و به‌دنبال آن دستگیری نواب صفوی و محمد واحدی در روز چهارشنبه اول آذر، عبدالحسین واحدی رهبر دوم گروه روز پنجشنبه دوم آذر در اهواز، بازداشت خلیل طهماسبی در شاه‌گاه دوشنبه ششم آذر همان سال و... محاکمه هشت نفر از اعضای این گروه از صبح شنبه یازدهم دی ۱۳۳۴ در دادگاه نظامی شعبه یک به ریاست سر تیب حسین قطبلی آغاز و بعد از ظهر چهارشنبه سیزدهم دی رای دادگاه صادر شد. با تشکیل دادگاه تجدید نظر از روز دوشنبه بیست و پنج دی ماه همان سال و تأیید حکم دادگاه بدوی: نواب صفوی، خلیل طهماسبی، محمد واحدی و مظفر علی ذوالقدر (اعدام) هادی میرلوحی، برادر نواب با دو درجه تخفیف محکوم به ۶ سال حبس با کار، اصغر عمری با دو درجه تخفیف محکوم به ۵ سال حبس با کار، احمد تهرانی با دو درجه تخفیف محکوم به ۴ سال حبس با کار و علی بهاری محکوم به ۳ سال حبس با کار، حکم دادگاه مبنی بر اعدام چهار نفر از رهبران جمعیت فداییان اسلام، ساعت شش باجماد ۲۷ دی ۱۳۳۴ در میدان تیر لشکر ۲ زهی به مرحله اجرا آمد.



جلسه دادگاه رهبران فداییان اسلام  
و بی طرفانه به آن نگاه کنید، می‌بینید مبارزان فدائیان اسلام برای استقلال ملی این کار را کردند. چرا نواب صفوی را اعدام کردند چون مخالف پیمان نظامی سنو بود. سنو پیمانی بود که پیمان ناتو که متعلق به اروپا و سیتو که متعلق به آسیای جنوب شرقی بود را به هم ملحق می‌کرد. این پیمان، کشورهای منطقه از جمله ایران را به‌عنوان سپر امنیتی و نظامی آمریکا و انگلستان در برابر شوروی درمی‌آورد. فدائیان اسلام به‌عنوان مخالفان با این قرارداد، حسین علاء نخست‌وزیر وقت را در آستانه سفر به بغداد جهت شرکت در اجلاس این پیمان مورد حمله قرار دادند که متأسفانه ناکام ماند. برای نمونه من خودم در دهان آیت‌الله سیدسیدالدین صدر شنیدم که گفتند: «تاکسون آنچه را که نواب صفوی انجام داده است مطابق شرح او بوده است.» برای اینکه پیمان سنو امضا نشود از آیت‌الله عراقی اجازه گرفته شده است. فدائیان اسلام فرزند غلام بودند، مجوز برخی مراجع را داشتند و چون مجوز داشتند، به حکم دفاع از اسلام و مسلمین، کسروی، هژیر، رزم آرا، علاء و... را در دادگاه دینی محکوم به مرگ کردند.